



## تحلیلی بر مقوله دانش و حکمت (خرد) از منظر علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و اسلام

سید عباس مرجانی<sup>۱</sup>

### چکیده

بخش عظیم سرمایه و ثروت انسان، دانش اوست. این دانش در یک فرایند طولانی و نسبتاً پیچیده، تولید، گردآوری و ساماندهی شده است؛ و زمانی این دانش دارای ارزش است که به خرد و حکمت تبدیل شود. بررسی سلسله‌مراتب فرایند داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد) از دیدگاه علوم مدرن و علوم کتابداری و مقایسه آن با «حکمت» از دیدگاه قرآن، آیات، روایات، فلاسفه و دانشمندان سایر علوم. همچنین بررسی روابط، و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها باهم، از اهداف این پژوهش است. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی - تکاملی است. پژوهشگر سعی کرده است با تحلیل موضوع دانش و حکمت آن را از دو زاویه علوم کتابداری و اسلام مورد مطالعه بیشتر قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان داد که فرایند داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد) علاوه بر جنبه بشری و مادی آن، جنبه معنوی و آسمانی، نیز دارد؛ و حکمت قرآنی و حکمت بشری از یک جنس‌اند و در طول هم قرار دارند. همچنین آلاینده‌های اطلاعاتی نقش مخربی در فرایند داده، اطلاعات و دانش دارند، و مانع تبدیل اطلاعات به دانش و دانش به خرد می‌شوند. بنابراین، دانش باید به حکمت تبدیل شود و حکمت از منظر علوم بشری و کتابداری نیز با حکمت الهی پیوند بخورد، زیرا حکمت الهی، انسان را به کمال و حقیقت می‌رساند. نظریه «مدیریت حکمت» می‌بایست به مرور جایگزین «مدیریت دانش» شود. این مطالعه نشان داد که کتابخانه‌ها باید سیاست‌ها و راهبردهای خود را مطابق جامعه‌ی حکمت محور تدوین نمایند و جامعه و مخاطبان خود را با آن سمت هدایت نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود، ملاک برنامه‌ریزی‌های، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده‌ی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، خرد و حکمت قرار گیرد، تا دانش و اطلاعات.

**کلیدواژه‌های موضوعی:** دانش، حکمت، اطلاعات، مدیریت دانش، مدیریت حکمت، مدیریت حکمت محور.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه آزاد واحد همدان و رئیس تالار اقتصاد اسلامی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی؛



## مقدمه

دانشمندان علوم بشری به ویژه علوم کتابداری در مسیر کمال علوم عقلی بشر، دستاوردهای علمی بشری را در قالب یک سلسله مراتب و فرایندی ارائه نموده‌اند. در این فرایند «داده»، پایین سطح فرایند قرار دارد و ماده خامی را ماند که اطلاعات از آن به دست می‌آید و در حقیقت داده‌ها معنا پیدا می‌کنند» (باد، ۱۹۹۲) سپس اطلاعات پس از پردازش به دانش و اطلاعات پالایش شده و پردازش شده به حکمت و خرد تبدیل می‌شود. از طرفی خالق آفرینش در کتاب‌های آسمانی خود به ویژه قرآن نیز، کراراً از واژه «حکمت» نام برده است و برگزیدگان و فرستادگان خود را حکمت عنایت فرموده است؛ (و اتیناه لقمان حکمه). حال این سؤال پیش می‌آید که این چه رمز و رازی است که این دو جریان در یک نقطه‌ای با عنوان «حکمت»، باهم تلاقی پیدا می‌کنند. آیا ارتباط و پیوندی بین این دو جریان که یکی زمینی و دیگری آسمانی است، وجود دارد؟ خاستگاه این دو جریان کجاست؟ تفاوت‌ها و شباهت‌های آن در چیست؟ و ارتباط آن با کتابداری و اطلاع‌رسانی کدامند؟ و این نظریه چه تأثیری می‌تواند در فرایند سیاست‌گذاری کتابخانه‌ها داشته باشد؟ این سؤالات، سؤالات پژوهش ماست و هدف از طرح موضوع پاسخ به آن‌ها است.

## مروری بر مفاهیم داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد)

«از داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد) تعاریف مختلفی ارائه شده و صاحب‌نظران هر یک از منظرهای متفاوت به فرایند تعامل و تبدیل آن‌ها نگرسته و در موردشان سخن گفته‌اند. قدر مسلم، تمیز مفهوم این سه واژه و درک ارتباط و تفاوت آن‌ها برای ورود به سایر مباحث و تبیین کارکردی آن در عرصه‌های گوناگون ضروری به نظر می‌رسد.» (حیدری و یمین فیروز، ۱۳۸۳) اکنون برای ورود به مبحث و برای یادآوری ابتدا به تعریف مفاهیم داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد) از منظر صاحب‌نظران کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌پردازیم.

## داده

«استنباط کلی آن است که داده، حقایق خام یا حقایق بی‌معنا است. وقتی این حقایق به صورت نماد نوشته شوند به داده تبدیل می‌شوند. داده در لحظه اول سازمان‌یافته، بی‌معنا یا نامربوط به نظر می‌رسد. داده یا نماد حقایق (خام) می‌تواند اعداد، آمارها یا صفات خاص افراد، مکان‌ها، چیزها، نظام‌های ارزشی، رویدادها و جز آن باشند. این اقلام



داده‌ها در وضعیتی پردازش نشده یا پالایش نشده ارائه می‌شوند و تا زمانی که پراکنده باشند، فایده‌ای ندارند. فقط نظام می‌تواند داده‌ها یا نماد حقایق ضبط نشده را پردازش کند. داده در فرایند تبدیل معنا پیدا می‌یابد. (داور پناه ۱۳۸۲)»

## اطلاعات

اطلاعات به معنای نتیجه‌ی پردازش داده‌ها تلقی شده است. معنای توسعه‌یافته این تعریف، تبدیل داده به شکل سودمند یا مفید برای افراد در حل مسائل یا تصمیم‌گیری است. داور پناه به نقل از «پیتر دراگر» بیان می‌کند که داشتن ارتباط و هدف، ویژگی اطلاعات است. اطلاعات نه تنها دارای قابلیت تأثیرگذاری برگیرنده هستند، بلکه خود نیز شکل خاصی دارند و برای هدف خاصی سازمان می‌یابند. داده‌ها زمانی به اطلاعات تبدیل می‌شوند که ارائه‌دهنده‌ی آن‌ها معنی و مفهوم خاصی به آن‌ها ببخشد. با افزودن ارزش به داده‌ها، درواقع آن‌ها را به اطلاعات تبدیل می‌کنیم. (داور پناه ۱۳۸۲).

## دانش

دانش، نه داده است و نه اطلاعات، هرچند که به هر دو مربوط است، اما تفاوت آن‌ها لزوماً ماهوی نیست و صرفاً از نظر مراتب باهم متفاوت هستند. دانش ترکیبی سازمان‌یافته از داده‌هاست که با مجموعه‌ای از قواعد، رویه‌ها و عملیات آموخته‌شده، از طریق مطالعه، تحقیق، مشاهده و تجربه به دست می‌آید. تعریف کرده‌اند. دانش، تلفیق تفکر با اطلاعات است. درواقع تفسیری فردی از اطلاعات بر پایه تجربیات، مهارت‌ها و توانمندی‌های شخصی است. (قانع بصیری، ۱۳۷۳، ص ۱۰-۱۸. نقل در حاجی زین‌العابدینی، ۱۳۸۷، ص ۲۹)

## حکمت (خرد)<sup>۱</sup>

«مختاری و یمین فیروز» به نقل از «استین»، اذعان می‌کنند که وی «خرد را گزینش دانش مناسب برای انجام یک کار معین تلقی می‌کند و معتقد است که خرد زیرمجموعه‌ای از دانش، دانش زیرمجموعه‌ای از اطلاعات و اطلاعات زیرمجموعه‌ای از داده‌هاست؛ ولی هر نوع دانشی ضرورتاً خرد نیست؛ هرچند بالقوه قابلیت زایش آن را دارد. « یمین -



فیروز هم خرد را پیگیری دانش همراه با تحولات، تجربیات و رسیدن به اهداف تلقی کرده است (۱۳۸۲). به عبارت جامع‌تر، حکمت «آخرین مرحله‌ی حرکت از دانش به خرد و کمال است. خرد همان کاربرد دانش است» (نوروزی و عبدالمجید، ۱۳۸۷، ص ۹۷). درک اصول اساسی حاکم بر الگوهای نشانگر دانش، در نهایت به خرد می‌انجامد. وابستگی خرد به زمینه و استقلال مطلق آن محرز است؛ چه اصول فوق ابدی و تردیدناپذیرند. خرد پاسخ به چرایی است؛ دانش پاسخ به چگونگی و اطلاعات پاسخ به سؤالاتی در مورد زمان، مکان و چیستی. با افزایش میزان ادراک «فرد، حرکت در جهت صعود آن مسیر می‌شود. به نظر می‌رسد با حرکت از سمت‌وسوی داده به سمت‌وسوی خرد، توان ترکیب مفاهیم همسنگ با ادراک و توان تمایز آن‌ها همپای با نداشتن وابستگی به زمینه و درعین حال و چندگانگی مفاهیم سیر صعودی به خود می‌گیرند. (مختاری و یمین فیروز ۱۳۸۳، ص ۱۵)»

شکل ۱ به‌وضوح فرایند داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد) را نشان می‌دهد



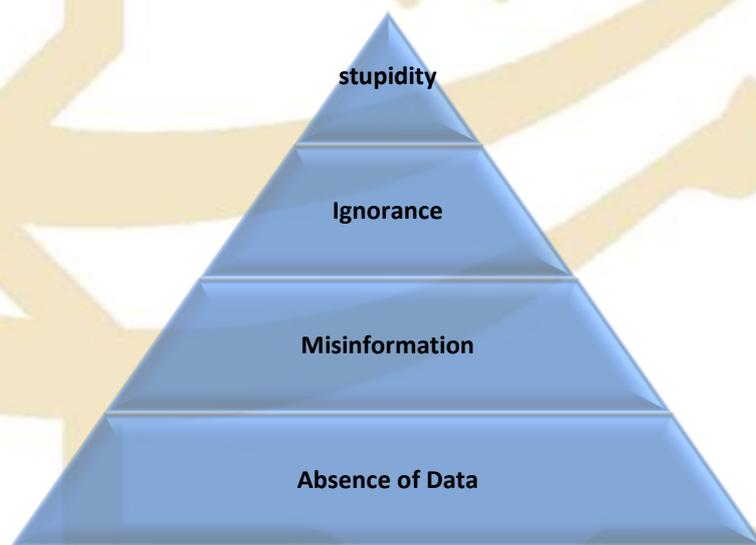
شکل ۱. هرم سلسله‌مراتب داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد)

### نظریه‌ی متضاد فرایند داده، اطلاعات، دانش و خرد

برنستین<sup>۱</sup> معتقد است که سلسله‌مراتب داده، اطلاعات، دانش و خرد متکی بر فیلتر شدن، کاهش یافتن و انتقال یافتن است. علاوه بر این‌ها، معلول بودن و نظام سلسله‌مراتبی، از خصوصیات آن است. وی اضافه می‌کند: که طرح و برنامه آن هرمی است که در آن داده‌ها، در قاعده هرم و حجم آن بسیار زیاد است و حکمت (خرد) و در رأس هرم و نسبت به داده‌ها حجم کمتری دارند. وی در پژوهش خود آورده است که فرمول آکوف این داده‌ها را به هم وصل



می‌کند. این شیوه به ما اجازه می‌دهد که پرسیم متضاد خرد چیست؟ و اینکه آیا مبانی مقدماتی سلسله‌مراتب، پردازش و هرمی شکل بودن، آیا درباره آن هم صادق است؟ وی معتقد است برای تعریف مثبت و کامل‌تر یک عبارت، ابتدا باید نقطه مقابل و متضاد آن را شناسایی و تعریف کرد. وی برای تعریف سلسله‌مراتب داده، اطلاعات، دانش و خرد، نقطه مقابل فرایند را شناسایی و تعریف کرده است. او ترسیم کرد، در صورت مخدوش شدن محتوای هر یک از ارکان سلسله‌مراتب، چه اتفاقی ممکن است بیفتد! وی متضاد عبارت داده را «فقدان یا نبود داده» تعریف می‌کند. متضاد اطلاعات را «فقدان اطلاعات یا خطا»، متضاد دانش را «نادانی یا جهل» و نهایتاً متضاد حکمت (خرد) را «حماقت و بی‌خردی» تعریف می‌کند. (۲۰۰۹، ص ۷۰) در حقیقت اگر بخواهیم نقطه مقابل سلسله‌مراتب داده، اطلاعات، دانش و خرد را ترسیم کنیم، آن داری چهار رکن فقدان داده، خطا، جهل و بی‌خردی است که از جنبه اطلاعات و دانش، مفاهیمی بی‌ارزش و ضد ارزش به حساب می‌آیند. جدول شماره ۲ نشانگر این موضوع است:



شکل ۲. هرم متضاد سلسله‌مراتب داده، اطلاعات، دانش و حکمت (خرد)

## بازتعریف و بازشناسی مفهوم حکمت

### معنای لغوی حکمت

برخی لغت‌شناسان معتبر که به ریشه اصلی واژه‌ها توجه دارند، معنای اصلی و اولیه «حکمت» را منع و جلوگیری بیان کرده‌اند و معتقدند که حکم (حکم قضایی) از آن مشتق شده و به معنای چیزی است که از ظلم جلوگیری می‌کند. حکمت نیز بر همین قیاس است و به معنای چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند. فیومی ضمن تأیید مطالب فوق،



بر آن است که وجه تسمیه حکمت آن است که حکمت، حکیم را از اخلاق ناپسند منع می‌کند. فیومی، زمخشری و جوهری قائل اند حکم در باب افعال به معنای محکم و مستحکم بودن است. جوهری حکیم را، به معنای عالِم می‌داند و هم به معنای کسی که کارهایش متقن است.

نتیجه این بررسی کوتاه لغوی این است که ریشه حکمت به معنای منع و جلوگیری بوده و این معنا در دو جنبه نظری و عملی لحاظ شده است؛ جنبه نظری، حکمت چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند و در جنبه عملی، حکمت آن است که انسان را از اخلاق ناپسند منع می‌کند. همچنین معنای محکم و مستحکم بودن نیز در حکمت و حکیم دیده می‌شود که اشاره به خطاناپذیری آن است. نکته قابل توجه این است که معنای لغوی مذکور در واژه عقل نیز دیده می‌شود؛ بدین صورت که معنای لغوی عقل نیز منع است و عقل، انسان را از جهل و اعمال ناروا بازمی‌دارد. (برنجکار، ۱۳۷۹، ص ۸۶ - ۸۷).

### حکمت از منظر فلسفه و دانشوران اسلامی

در خصوص موضوع حکمت از لحاظ فلسفه و دانشوران اسلامی مطلب بسیار زیاد است و با توجه به ماهیت فلسفی آن، فهم آن را دشوار ساخته است. به همین منظور به‌طور خلاصه و گذرا به موضوع پرداخته می‌شود. «در اصطلاح فلسفه، حکمت عملی است که آن بحث می‌شود از حقایق اشیا، چنانکه هست در نفس الامر به اندازه قدرت و توانایی بشر؛ و موضوع حکمت اشیا موجود در خارج و ذهن است و فایده و غایت آن وصول به کمالات است در دنیا و رستگاری و نیکبختی است در آخرت» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۹۱۶۲).

دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، حکمت را نزد دانشوران اسلامی به‌طور خلاصه و واضح این‌چنین تعریف و تقسیم‌بندی می‌نماید. حکمت به معنی دانستن چیزهاست چنانکه باشند. در لغت، به معنی فرزاندگی است و معمولاً آن را معادل شرقی - اسلامی فلسفه‌ی اروپایی می‌گیرند. حکمت را به دوشاخه‌ی حکمت نظری و حکمت عملی بخش می‌کنند. هر شاخه زیر بخش‌های کوچک‌تری دارد. چنان که در زیر می‌آید:

۱. حکمت نظری: در دانستن موجوداتی است که وجود آن‌ها وابسته به حرکات ارادی افراد بشر نباشد.

• علم مابعدالطبیعه: در شناخت موجوداتی است که آمیختگی ماده شرط وجود آن‌ها نباشد.

• علم به موجوداتی که بی آمیختگی ماده ممکن نباشند خود دوشاخه می‌دارد



• ریاضی: آمیختگی ماده در تعقل و تصور آن شرط نیست.

• علم طبیعی: جز با مخالفت ماده معلوم نباشد.

۲. حکمت عملی: در دانستن صلاح اموری است که به اراده و کردارهای انسان وابسته است.

• تهذیب اخلاق به امور انفرادی مربوط است.

• به جماعت و مشارکت وابسته است. خود دوشاخه می‌دارد:

• تدبیر منازل: مربوط است به مشارکت در منزل و خانه

• سیاست مُدن: مربوط است به مشارکت در اجتماعات بزرگ‌تر (ویکی‌پدیا)

### حکمت از دیدگاه قرآن

«واژه حکمت و مشتقات آن، ده‌ها بار در قرآن به‌کاررفته است. برای نمونه می‌توان به واژه‌های الحکمه (۱۵) بار، حکمت (۲) بار، الحکم و حکم (۲۱) بار، حکیم (۵۵) بار و نهایتاً الحکیم (۴۲) بار که در آیات گوناگون با معانی متنوعی به‌کاررفته، اشاره کرد» (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۱). خداوند در آیه‌ی «وانزل الله علیک الكتاب و الحکمه» (نساء، ۱۱۳) اشاره کرده است که دعوت پیامبر مشتمل بر حکمت است و نیز کلام خود را در آیه‌ی «والقرآن الحکیم» (یس، ۲) توصیف به حکمت کرده و پیامبر [ان] خود را در چند مورد از قرآن، معلم حکمت شمرده است. (طباطبایی، ج ۱۹، ۳۱۳. نقل در بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۵۴).

همچنین خداوند به شهادت قرآن و به وسیله کتاب‌های آسمانی خود (تورات، انجیل و قرآن) به پیامبران خود حکمت آموخته است و به عنوان عطیه‌ای از طرف خود نام می‌برد که بر آنان فرو فرستاده است. همان‌گونه که در بالا گفته شد، ۱۳۵ بار از واژه «حکمت» و مشتقات آن در قرآن کریم استفاده شده است. آیات زیادی هستند که به مسئله حکمت اشاره نموده‌اند که برای مثال به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. «یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه<sup>۱</sup>» (الجمعه، ۲)؛ «ربنا و بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلو علیهم آیاتک و یعلمهم الكتاب و الحکمه و یزکیه<sup>۲</sup>» (البقره، ۱۲۴)؛

۱ تا آیات الهی را تلاوت کند و آن‌ها را (از لوث جهل و اخلاق ناپسند) پاک نماید و کتاب و حکمت به آن‌ها تعلیم دهد.

۲ پروردگارا، در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آن‌ها تلاوت کند و آن‌ها را تعلیم کتاب و حکمت دهد و آن‌ها را تزکیه کند.



«ولقد آتينا لقمان الحكمة» (لقمان، ۱۲)؛<sup>۱</sup> «ربنا و بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلو عليهم آياتك و يعلمهم الكتاب و الحكمة و يزكّهم»<sup>۲</sup> (البقره، ۱۲۴) و بسیاری از آیات که فرصت ارائه ی آن در این مقال نیست.<sup>۳</sup>

خداوند به پیامبران خود و به وسیله «الکتاب» محمد (ص)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع)، لقمان و بندگان برگزیده و خاصان خود را از نعمت حکمت بهره مند نموده است. در حقیقت حکمت، یک جنبه عام و فراشمولی دارد که بر تمام ادیان الهی به وسیله ی پیامبرانشان نازل شده است؛ زیرا خداوند می‌خواسته از طریق فرستادگان و برگزیدگان خود، کویر جان، روح و فکر انسان‌ها را از نور حکمت سیراب نماید.

### منابع حکمت از دیدگاه قرآن و اسلام

منابع حکمت از دیدگاه قرآن و اسلام، پنج چیز معرفی شده است که عبارت‌اند از: عقل، خدا، انبیاء الهی (ع) و اهل بیت (ع)، کتب آسمانی و رعایت اصول اخلاقی. (برنجکار، ۱۳۸۸). از دیدگاه اسلام، انسان از پنج راه می‌تواند به حکمت و کمال برسد. یکی از راه‌های پنجگانه، رسیدن به حکمت، عقل است. در حقیقت، علوم مدرن و به ویژه دانش موردنظر علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، برخلاف اسلام فقط قادر است از یک مسیر انسان را به کمال هدایت نماید و آن از مسیر عقل و علم است. در مکاتب و جوامع توسعه‌یافته‌ی علم‌گرا، تنها راه نجات را در عقل‌گرایی و خردورزی می‌دانند. آنان به مقولات و راه‌های دیگر وصول به سعادت و شناخت، بی‌توجه یا کم توجه‌اند. اسلام ضمن تأیید خردورزی، تصفیه نفس و عمل به خرد را نیز توصیه کرده است.

۱ ما به لقمان مقام علم و حکمت عطا کردیم.

۲ پروردگارا، در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز تا که آیات تو را بر آن‌ها تلاوت کند و آن‌ها را تعلیم کتاب و حکمت دهد و آن‌ها را تزکیه نماید.

۳ نکته جالب اینکه واژه «حکمت» با «کتاب» و «تزکیه» توأمان است. این موضوع خود مبحثی مستقل است که از حوصله ی بحث خارج است، فقط به‌طور خلاصه می‌توان به بیان علامه طباطبایی (ره) اشاره کرد که در تفسیر آن می‌فرماید: «کتاب همان وحی است که رافع اختلافات مردم است و حکمت، همان معرفت نافع و سودمندی است که به اعتقاد یا عمل مربوط است.» (بهشتی، ۵۳)؛ و در برداشتی دیگر، مراد این است که آنجا که خداوند به عنوان معلم کتاب و حکمت، معرفی می‌شود، در یک مرحله، کتاب را از نظر محتوی و روش صحیح فهم و درک آن، آموزش می‌دهد و در مرحله دیگر، آموزش حکمت می‌دهد و دل و جان پیامبرش را به نور حکمت روشن می‌کند. گو اینکه آموزش کتاب نیز از مقوله‌ی آموزش حکمت خارج نیست (بهشتی، ۵۵).



## حکمت از منظر روایات

حکمت، در روایات پیشوایان دین به معنای فهم و عقل و ضد هوای نفس و اطاعت الهی و پیامبر و امام و قرآن به کاررفته است. همچنین، عاقل به کسی اطلاق می‌شود که حکمت را همراهی می‌کند. در روایات میان حکمت و عقل رابطه وثیق و محکمی برقرار است. امیر المومنین (ع)، رابطه دیالکتیکی میان عقل و حکمت قائل است. وی عقل را وسیله استخراج عمق حکمت و حکمت را وسیله استخراج عمق عقل معرفی می‌کند. علاوه بر این طبق روایات دیگر، «العقل ماعبد به الرحمن»؛ یعنی عقل، ابزاری برای عبادت خداوند سبحان است. پس عقل تنها ابزار ادراکی نیست، بلکه علاوه بر جنبه ادراکی عقل، از برخی روایات و آیات به دست می‌آید که باید به جنبه کاربردی عقل یعنی کارکرد بازدارندگی از معصیت و تشویق به طاعت الهی نیز توجه داشت. یکی از اسما خداوند متعال «حکیم» است و حکیم هم کار عبث نمی‌کند و حکم به کار عبث نمی‌دهد، لذا هوا و هوس یعنی انجام رفتار و افعالی که خارج از محدوده عقل و خرد می‌باشد، خارج از محدوده حکمت و فعل حکیمانه است؛ بنابراین می‌توان به روایتی مانند: «و الحکمه و ضدها الهوی» و «الحکمه ضدها الخطا» تمسک کرد تا مشخص گردد که حکمت نیز همانند عقل از دو بار معنایی معرفتی و کاربردی برخوردار است، یعنی در معنای حکمت هم جنبه فهمیدن حقایق و درک مطابق با واقع و عاری از خطا وجود دارد و هم در آن، عمل طاعت الهی و ترک از معصیت و پیروی نکردن از هوای نفس لحاظ شده است. با این اوصاف می‌توان حکمت را علم نظری و اندیشه صحیحی دانست که شخص حکیم را به کارهای محکم و مستحکم وامی‌دارد و او از کارهای زشت و ناروا و جهل و نادانی و ظلم بازمی‌دارد؛ بنابراین، حکمت علم نظری صحیح و منتهی به علم عملی پسندیده و عمل به افعال نیکو اطلاق می‌شود. درجایی دیگر نیز «الحکمه ضاله المومن» اشاره به این حقیقت دارد که مؤمنان خداجو نیز باید از دروازه حکمت گذر کنند تا به منزلگاه حقیقت و سعادت نائل شوند؛ به عبارتی، مؤمنی نیست که طالب کمال مطلوب باشد ولی حکمت نیاموخته به آن برسد. (خسرو پناه، ۱۳۸۸، ص ۲۶ - ۲۷).

### نقطه اتصال و پیوند حکمت آسمانی و زمینی

به‌طور ظاهر، برقراری پیوند و ارتباط بین مفهوم حکمت از دید علم مدرن و زمینی با علوم متافیزیک و آسمانی کمی دشوار به نظر می‌رسد. از همه مهم‌تر اینکه، این موضوع چه ارتباطی می‌تواند با حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی داشته باشد؟ شاید به نظر برسد که واژه حکمت و یا خرد، به صورت اتفاقی و یا فقر واژه، مورد استفاده قرار گرفته است؟



بهر حال برقراری پیوند و تلاش برای برقراری ارتباط بین این دو مفهوم، سؤالی است که نیاز به پاسخ داد. ولی برای پاسخ دادن هر سؤال، ابتدا باید آن را تجزیه و تحلیل کرد؛ و ابتدا ریشه و خواستگاه هر چیزی را مورد بررسی و کنکاش قرار داد.

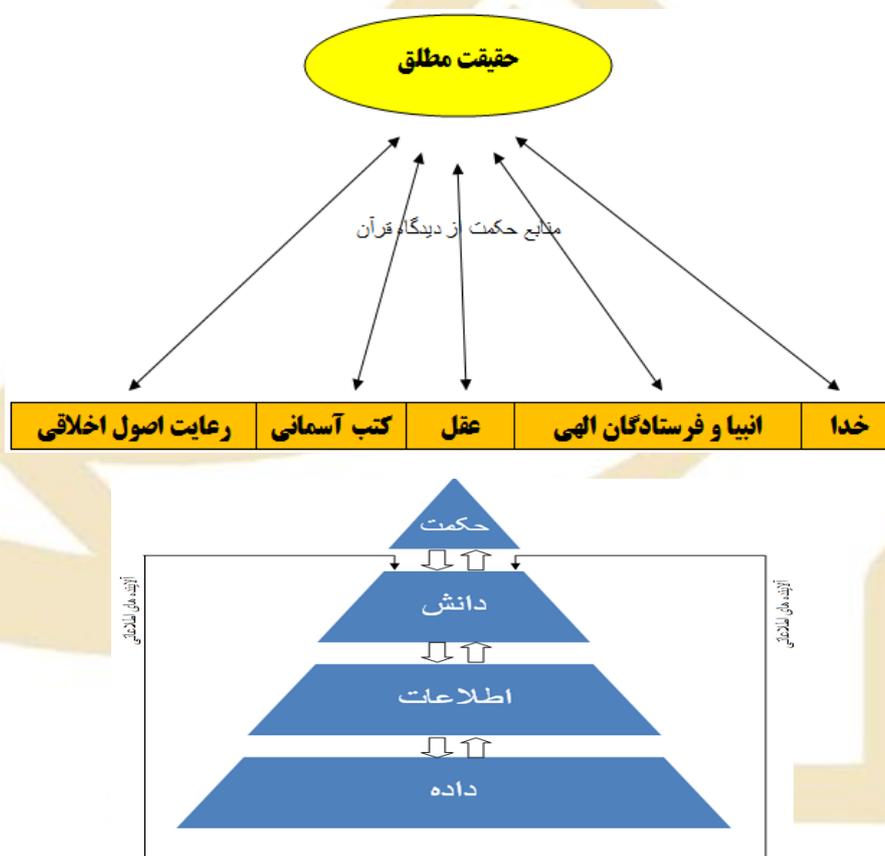
معتقدم، این ارتباط اتفاقی نیست، این دو واژه و مفهوم از یک جنس‌اند، این امر ریشه در فطرت انسان دارد. انسان موجود خاکی، مادی، زمینی صرف نیست، هرچند که ماده جزئی از وجود انسان است؛ اما از دیگر سو، انسان چهره و سیمای ملکوتی، نیز دارد. این همه قوانین منظم که توسط خالق وضع شده است، برای کمال جمادات و نباتات نیست، بلکه برای رشد و سعادت انسان - اشرف مخلوقات - است. دلیل اینکه در قرآن ۱۳۵ بار از واژه حکمت (با مشتقات آن) استفاده شده است، چیست؟ این‌ها نشان از این است که عقل و حکمت، ماهیت ملکوتی و ماورایی دارند. آن‌ها ودیعه و عطیه‌ی الهی و آسمانی هستند که در ذهن و دل انسان به ودیعه گذاشته شده است تا با این ابزار بتواند خود را به کمال مطلوب برساند.

علت اینکه این پیوند حکمت زمینی با حکمت آسمانی به‌طور رسمی گره نخورده است و هنوز تاروپود آن گسسته و منفصل است، دو عامل است: یکی سیر طبیعی تکامل علم و دیگری دخالت و غرض‌ورزی بدخواهان علم. در توضیح مورد اول اینکه بشر مانند امروز این قدر امکانات و منابع در اختیار نداشت و سیر تحولات تا قبل از عصر رنسانس به این سرعت نبود و تحولات به کندی انجام می‌شد. به بیانی دیگر، سیر تکامل علم زمان زیادی را صرف نمود تا به این مرحله از کمال رسید و صاحب‌نظران تازه به این یافته رسیده‌اند. از دیگر سو، دشمنان علم و آگاهی، همواره به خاطر مطامع و اغراض ناصحیح و ناسالم خود، در کمین انحراف و اختلال در مسیر علم بودند که در نهایت، باعث از هم گسیختن پیوند و ارتباط این دو مفهوم شده است. سعی داشته‌اند با استثمار و استضعاف توده مردم، برای بهره‌کشی از آنان، علم را در سیطره خود گیرند. وقتی علم و دانش سرکوب شود، خرد و حکمت می‌میرد. جدول شماره ۳ به خوبی نشان می‌دهد که؛ حکمت هم جنبه مادی دارد و هم جنبه ملکوتی. علم کنونی آخرین مرحله و منزل فرایند دانش است. تقریباً راهکاری برای آینده ندارد و در یک نوع بن‌بست به سر می‌برد و دچار سرگردانی و سردرگمی است. ولی آیات و روایات نورانی اسلام به جریان علم، حیاتی دوباره می‌بخشند، ارائه طریق می‌نمایند که این مسیر تا بی‌نهایت ادامه دارد. حکمت مورد نظر اسلام، آنی است که انسان را به حقیقت و سعادت می‌رساند.



غایت و نهایت علم بشری و مدرن، حکمت (خرد) است ولی از دیدگاه قرآن و اسلام، حکمت پله اول و آغاز سیر تکاملی انسان برای رسیدن به شناخت و حقیقت مطلق است. حکمت بشری ناسوتی و ارتفاع آن تا انتهای آسمان اول است، اما حکمت قرآنی، لاهوتی و امتداد آن تا بی نهایت است. ولی نقطه تلاقی و حلقه‌ی ارتباط زمین با آسمان - حکمت و خرد - است.

تصویر زیر به‌طور واضح ارتباط و پیوند حکمت بشری و قرآنی را نشان می‌دهد.



شکل ۳: نمودار فرآیند حکمت از منظر علوم کتابداری (مدرن) و اسلام

نظر برخی از اندیشمندان غربی درباره حکمت:

آلبرت اینشتین<sup>۱</sup> می‌گوید: دانشی که نوع بشر در طول تاریخ و در بستر زمان با کمک یکدیگر به دست می‌آورند، «دانش هم انباشتی» است و برای رسیدن به حقیقت «خرد» ناکافی است. او در سخنرانی‌ای که در دانشگاه پرنتود در

<sup>۱</sup> - Albert Einstein



سال ۱۹۳۹ ایراد کرد به جایگاه و اهمیت عناصر غیرمادی (وحی) برای رسیدن به حقیقت خرد (دانایی) عنوان کرد. حقایقی که ضروری و معین برای قضاوت و تصمیم‌گیری ما هستند تنها نمی‌توانند از راه جاده خشک و متحجر علم به دست بیایند، شیوه علمی غیرازاین چیزی نمی‌تواند به ما بیاموزد که وقایع چطور به هم پیوسته‌اند و چه طور به هم مشروط می‌شوند. دانش آنچه هست الزاماً ما را به آنچه باید باشد رهنمون نمی‌سازد. انسان می‌تواند شفاف‌ترین و کامل‌ترین دانش آنچه هست را داشته باشد و درحالی‌که قادر نباشد هم‌زمان به آنچه باید باشد، فهم داشته باشد. دانش هدفمند، ما را با ابزاری قوی برای نیل به اهداف ویژه آماده می‌سازد؛ اما هدف غایی به خودی خود و امید برای دستیابی به آن باید از منبعی دیگر فراهم شود... دانش حقیقت، آن قدر عجیب و غریب است و درعین حال آن قدر به عنوان یک قابل دسترس راهنما نیست و نمی‌تواند حتی یک قضاوت را ثابت کند و ارزش اظهار نظر درباره کمترین مقدار حقیقت را ندارد. بنابراین، اینجا ما با محدودیت‌های فرضیه‌های منطقی ناب از حیاطمان روبرو می‌شویم. هوش برای ما روابط درونی ابزار و هدف را شفاف می‌سازد؛ اما تفکر محض نمی‌تواند این اهداف بنیادین و ارزیابی ایشان را شفاف سازد. (برنستین، ۲۰۰۹، ص ۶۰۷)

«الیس بیلی<sup>۱</sup>» تفاوت بین دانش و خرد را وابسته دنیا و آخرت می‌داند. «حکمت علم آخرت ماست و دانش علم دنیایی ماست. دانش مجزا و هدفمند، درحالی‌که خرد موضوعی و یکپارچه است. دانش تقسیم می‌کند اجزاء خرد را، دانش تفاوت ایجاد می‌کند درحالی‌که خرد درهم می‌آمیزد و مخلوط می‌کند. خرد به خود می‌پردازد درحالی‌که دانش به غیر خود. (همان) «ویلبرز<sup>۲</sup>» هم می‌گوید: که علم عاری از ارزش است چراکه به ما فقط درست یا غلط را می‌گوید و کاری به خوب و بد ندارد. (همان)

#### منشأ حکمت از دیدگاه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، منشأ و مبدأ حکمت در سلسله مراتب علم - داده اطلاعات، دانش و حکمت (خرد) - است؛ که با حکمت از منظر قرآنی و اسلامی آن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد که در قسمت زیر به آن پرداخته شده است.

۱ Alice Bailey

۲ Wilber



## شباهت‌ها و تفاوت‌های حکمت از منظر علوم کتابداری و اسلام

### شباهت‌ها

- حکمت بشری و حکمت الهی هم بر جنبه نظری تاکید دارند و هم جنبه عملی.
- حکمت بشری و الهی هر دو از آلودگی به دورند.
- کاربران حکمت بشری و قرآنی هر دو محدودند.
- حکمت بشری و حکمت قرآنی هر دو از قید زمان و مکان آزادند.
- داده، اطلاعات، دانش و خرد هر چهار مرحله فرایند اطلاعات مانند حکمت، جنبه کاربردی و اجرایی دارند.
- انسان با رعایت اصول و ضوابط تعریف شده می‌تواند از مرحله پایین و قعر هرم به بالاترین مرحله کمال و حقیقت برسد و با عدم رعایت موازین از جایگاه خود نزول می‌کند.
- حکمت مانند جاده‌ی مستقیمی است که یکسر آن به حقیقت و آسمان متصل است و سر دیگر آن به حکمت بشری و زمین.

### تفاوت‌ها

- راه رسیدن به حکمت از مجرای عقل امکان‌پذیر است، اما در حکمت قرآنی راه‌های دیگری هم وجود دارد که عقل یکی از راه‌های پنج‌گانه‌ی آن است.
- حکمت بشری، مادامی که در مدار چرخه‌ی علوم مدرن باشد، محدود و بسته است، حکمت قرآنی لایتناهی و نامحدود است.
- حکمت بشری از کثرت شروع می‌شود و به وحدت می‌رسد اما حکمت قرآنی، از وحدت شروع می‌شود و به کثرت می‌رسد.
- جهت حرکت داده تا حکمت، از کثرت به وحدت است، ولی در حکمت قرآنی برعکس از وحدت به کثرت است.
- جهت حرکت حکمت بشری از پایین به بالاست، ولی جهت حرکت حکمت قرآنی از بالا به پایین.
- امکان آلوده شدن اطلاعات در سطوح زیرین فرایند، یعنی داده، اطلاعات و دانش وجود دارد، ولی آلودگی به مرتبه خرد راهی ندارد.



- اطلاعات و دانش که جزء فرایند حکمت بشری هستند، جنبه فراگیر و همگانی دارند، ولی حکمت قرآنی مخاطبان خاصی دارد و برای همگان قابل درک و فهم نیست.
- غایت و نهایت مسیر فرایند داده، اطاعات، دانش - حکمت - است، ولی غایت حکمت قرآنی رسیدن به شناخت، کمال و حقیقت مطلق است.

### تفاوت بین داده، اطلاعات و دانش با حکمت (خرد) از منظر علوم کتابداری

از منظر کتابداری دانش و حکمت در عین اینکه شباهت‌های باهم دارند، تفاوت‌هایی نیز باهم دارند که در زیر به تفاوت‌های آن اشاره شده است:

- حکمت، دانش مفید و ارزشمندی است، ولی دانش می‌تواند هم مفید باشد هم مضر.
- پایه و قوام حکمت، عقل است ولی پایه و اساس دانش و اطلاعات - داده - است.
- حوزه دانش، داده و اطلاعات وسیع‌تر است از حکمت، ولی حکمت یکپارچه‌تر و منسجم‌تر و مفیدتر است.
- جهت و حرکت داده از جزء به کل است، ولی جهت حکمت، از کل به جزء است.
- داده و اطلاعات و دانش قابل اطمینان و موثق نیستند ولی حکمت کاملاً مورد اطمینان و وثوق است.
- داده، اطلاعات و دانش خطاپذیرند ولی حکمت خطاناپذیر است.
- برای فهم اطلاعات و دانش شرایط خاصی لازم نیست و هرکسی با هر سطح فهمی می‌تواند به فراخور خود از آن بهره‌مند شود، ولی برای فهم حکمت شرایط لازم است.
- فرایند داده تا دانش، فقط درست یا غلط را می‌گوید و کاری به خوب و بد ندارد، ولی حکمت الهی این‌طور نیست.
- داده از کثرت شروع می‌شود و به وحدت می‌رسد ولی حکمت، از وحدت شروع می‌شود و به کثرت می‌رسد.
- انتقال دانش از طریق فکر است ولی حکمت از طریق فکر و دل
- هدف دانش بشری کوتاه و مقطعی است، ولی هدف دانش قرآنی بلند و دائمی.

### فواید حکمت

حکمت دارای فواید و آثاری است که در زیر به آن اشاره می‌شود:



۱. حکمت مایه‌ی حیات و بازدارنده از آلودگی‌های و ناپاکی‌های فکری و رفتاری است.
۲. رسیدن به حقیقت در پرتو حکمت تحقق می‌یابد.
۱. حکمت باعث تغییر نگرش‌های فکری، رفتاری و عقلی می‌شود.
۲. تصمیم‌گیری بر مبنای حکمت، خطاناپذیر است.
۵. داشتن هدف، از ویژگی‌های حکمت (خرد) است و همواره به انسان جهت می‌دهد.

### اطلاعات و حکمت در حوزه کاربرد دانش

ناکاگوا<sup>۱</sup> در پژوهش خود به یک نظریه‌ی جالبی اشاره می‌کند و سامانه «دانش مبتنی بر حکمت (خرد بینان)» و سامانه دانش «اطلاعات بینان» را مطرح می‌کند. «در راستای توسعه نظریه‌های معاصر، این مقاله به ترکیب دو دیدگاه نظریه‌پردازان غربی و بومی برای یک دیدگاه واحد با بهره‌مندی از استفاده‌ی از سامانه‌های «دانش خرد بینان (WBK<sup>۲</sup>)» و «دانش اطلاعات بینان» (IBK<sup>۳</sup>) به صورت توأمان می‌پردازد. وی می‌گوید: معتقدم که سامانه‌ی آموزشی معاصر فراگیر و جهانی، مبتنی بر سامانه دانش اطلاعات بینان است، به جای دانش خرد بینان. بنده اضافه می‌کنم اگر دانش - خرد محور اولین موضوع کودکان باشد، آنگاه این دانش خرد محور مبانی ایدئولوژیک آن‌ها را شکل خواهد داد. بدون در نظر گرفتن اینکه هیچ‌کدام از ما که دارای تحصیلات بالاتری هستیم به وسیله‌ی جوامع پیشرفته تشخیص داده می‌شویم و در میان جوامع خودمان به عنوان اثرگذاران در نظر گرفته می‌شویم. بنده پیشنهاد می‌کنم ما که دارای مدارک بالا هستیم؛ لازم است، دیدگاه‌هایمان را از برنامه اطلاعات برای نیل به زیبایی حقیقت، تغییر دهیم. به‌طور کلی ایشان معتقد است که باید برنامه ریزان سامانه‌های آموزشی، نگاهشان به رأس هرم باشد و مبنای تصمیم‌گیری‌شان خرد باشد تا اطلاعات. دانششان منتج از خرد باشد تا اطلاعات.

<sup>۱</sup> Satoru Nakagawa

<sup>۲</sup> wisdom-based knowledge

<sup>۳</sup> Information -based knowledge



### نظریه مدیریت حکمت (خرد) یا مدیریت حکمت محور (مینا)

نظریه مدیریت حکمت (خرد) در حال حاضر بیشتر جنبه انتزاعی و ایده‌آلی دارد و نظریه‌ای ساختار نیافته است. سیر تحولات و رشد تولید محصولات فکری بشر طوری است که با گذر از مراحل داده، اطلاعات و دانش به مرحله حکمت و خرد می‌رسد؛ و سپس از دل مفاهیم سابق‌الذکر، مفاهیمی چون «مدیریت داده»، «مدیریت اطلاعات» و «مدیریت دانش» که تقریباً مفاهیم شناخته‌شده و قابل‌درکی هستند، خلق می‌شود. پژوهشگران در خصوص مدیریت داده، اطلاعات و دانش، مطالعات زیادی داشته و تولیدات علمی قابل قبولی داشته‌اند. در نظریه‌های خود بالاتفاق هم عقیده‌اند که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی باید با رویکرد «مدیریت دانش» اداره شوند، به این خاطر که مرحله کامل‌تری از فرایند دانش تا خرد است؛ زیرا مدیریت دانش کمک می‌کند تا دانش؛ تولید، گردآوری، سازمان‌دهی، نگهداری و منتشر شود، چراکه دانش بزرگ‌ترین سرمایه و دارایی معنوی جوامع است.

از طرفی در خصوص مفهوم حکمت (خرد) که به عنوان آخرین پله‌ی فرایند اطلاعات معرفی می‌شود، اطلاعات و مطالعات به لحاظ کمی و کیفی، کم و ناکافی انجام شده است. وادی حکمت، وادی وسیع و با عظمتی است که محققان و اندیشمندان با مطالعه بیشتر می‌بایست زوایای پنهان آن را آشکار سازند. همان‌طور که داده، اطلاعات، دانش باید مدیریت شوند، حکمت نیز باید مدیریت شود. شاید این پرسش مطرح شود که حجم بالای اطلاعات و دانش، مزاحمت آلاینده‌های اطلاعاتی باعث شده است که موضوع مدیریت اطلاعات و دانش، مطرح شود. ولی وادی حکمت که هنوز ناشناخته است و حجم مطالب به حدی نیست که نتوان آن را کنترل و مدیریت کرد، از طرف دیگر نیز مکانیزم و ابزاری برای شناسایی دانش از حکمت نیست! لذا نیازی به مدیریت حکمت نیست؟ این مطلب، مطلب درستی است، زیرا وادی حکمت هنوز وادی ناشناخته‌ای است و هرکسی را یاری ورود به این مرحله را نیست، بنابراین مخاطبان و طالبان آن نیز کم و معدودند. عالم حکمت، عالم گستره، عمیق و عظیمی است که یکسر آن در اعلی‌علین علم بشری و سر دیگر آن در بی‌نهایت و حقیقت مطلق است؛ بنابراین طرح این موضوع «مدیریت حکمت» هنوز کمی زود است. ولی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. باید با پژوهش، آینده‌نگری، چشم‌انداز روشنی آن ترسیم کرد و از هم‌اکنون با تدابیر لازم، راهکارها و راهبردهای اجرایی آن را تدوین نمود. با این وجود، پیشنهاد می‌شود، برای ورود به بحث «مدیریت حکمت» و به منظور اصالت بخشیدن به مقوله‌ی حکمت و حکمت‌ورزی، شایسته است، بحث «مدیریت حکمت محور (حکمت بنیان)» را در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی مطرح شود؛ زیرا اگر حکمت‌گرایی و خردورزی و اندیشه‌ی ناب و عاری از آلودگی،



محور و موتور محرکه فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های کتابخانه‌ها قرار گیرد، ناخودآگاه تحولی در ساختار فرایند اطلاعات به وجود خواهد آورد.

همان‌طور که قبلاً هم در پژوهش «ناکاگوا» به آن اشاره شد که سامانه دانشی خرد بنیان را مطرح و بنیان نهاده بود، کتابخانه‌ها هم باید مبنای فعالیت‌ها و حرکت خود را به سمت رأس هرم سلسله‌مراتب داده تا حکمت، هدایت نموده و در جهت تقویت آن تلاش نمایند. کتابداران در مبنای نظری و عملی، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیرهای خود، بهتر است به جای استفاده از اطلاعات، از خرد و حکمت که به عنوان دژ محکم و پیراسته از آلودگی‌هاست، استفاده کنند. حتی در حوزه‌ی مدیریت نیز، مبحث «مدیریت حکمت محور» نیز کارایی دارد و می‌تواند جایگزین «مدیریت دانش» شود و یاریگر مدیران و سازمان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها باشد.

#### پیش‌نیازهای اجرای سامانه‌ی مدیریت حکمت

حکمت یک سطح عالی از دانش است و همگان را یارای فهم و درک این جایگاه و مفهوم نیست؛ لذا برای رسیدن به این مرتبه شرایط منحصر و ویژه‌ای نیاز است؛ بنابراین شناخت و شناسایی این مقوله معرفت خاصی می‌خواهد تا چه برسد به مدیریت آن؛ بنابراین حوزه کتابداری هنوز از ظرفیت و قابلیت کافی به جهت عدم وجود معیارهای لازم برای تمیز دادن اطلاعات و دانش از خرد نیست و تا زمانی که این معیارها و شاخص‌ها طراحی و تدوین نشود، این حوزه از مدیریت حکمت ناتوان است؛ لذا برطرف کردن موانع زیر از ملزومات این سامانه است که عبارت‌اند از:

- عدم وجود معیار، شاخص و استاندارد تعریف‌شده جهت شناسایی و تفکیک دانش از حکمت
- عدم شناسایی و نداشتن برنامه‌ای جامع و مدون جهت فعالیت، نشر و اشاعه ظرفیت خرد و حکمت
- مشخص نبودن حدود و مرز حوزه کاری
- مشخص نبودن مخاطبان و جامعه اطلاعاتی و کاربران منابع حکمی
- مشخص نبودن نیازها و خواسته‌های جامعه مخاطب
- فقدان مطالعات همه‌جانبه در این حوزه



## کتابخانه‌های آینده

کتابخانه عمومی یکی از ارکان جامعه‌ی مردم‌سالار است و تغییر اوضاع و احوال جامعه نقش بسزایی دارد. کتابخانه عمومی، برای آنکه بتواند به اهداف تعیین‌شده، یعنی ارائه اطلاعات، دست یابد و جوابگوی نیازهای رو به گسترش همگان در عصر اطلاعات و ارتباطات باشد، باید خود را برای آینده‌ای بهتر آماده کند. پس کتابخانه‌های عمومی، علاوه بر اینکه خود را در مسیر آینده همراه می‌سازند، جامعه را نیز به فردایی بهتر هدایت می‌کند (زوارقی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹)؛ بنابراین محل‌های اطلاعاتی منشأ تحولات عظیمی در جامعه بشری بوده و هستند و انسان را در دسترسی به اطلاعات در کمترین زمان یاری رسانده‌اند. ولی نوع اطلاعات هم در جامعه و کتابخانه حکمی و خردورز - معنا، مفهوم و چارچوب خاص خود را دارد.

تمام هم‌وغم متفکران حوزه‌ی کتابداری این است که چگونه محل‌های اطلاعاتی را تغییر دهند و با چه سرعتی و کیفیتی اطلاعات را در اختیار کاربران خود قرار دهند. ولی در خصوص اینکه چه چیزی و با چه محتوا و درون‌مایه‌ای را باید در اختیارشان قرار دهند، چندان اهمیتی ندارد. در عصر کنونی، مهم است که محل‌های اطلاعاتی چه باشند، ابزار و تجهیزات سنتی باشند یا مدرن، ولی مهم‌تر آن است که حامل چه پیام و محتویاتی هستند.

خاصیت و ویژگی دانش در عصر حکمت این است که دانش به حکمت تبدیل خواهد شد چون اگر دانش معیارهای حکمت را رعایت نکنند و طبق ضوابط و فرایند اطلاعات حرکت نکنند به حکمت منجر نخواهند شد، در حقیقت دانش پردازش را حکمت می‌گویند، اگر آلودگی‌های آن گرفته نشود قابلیت رهیابی به وادی حکمت را نخواهد داشت. حکمت وادی قانون و قانونمندی است. برای خود شاخص و معیاری دارد. هر دانش و اندیشه‌ای، حکمت نیست، دانش هست! مفید نیست. دانش هست، دارای ارزش اخلاقی نیست. دانش هست، از حیثه ادب به دور است و انسان را به حقیقت رهنمون نمی‌شود. دانش هست و نتیجه‌بخش هم هست، ولی به سعادت راهی ندارد. آلودگی چطور می‌تواند منشأ خیر باشد، بیماری و عقب‌ماندگی زائیده‌ی آلودگی است.

بهر حال برای یک فرد حکیم و فرزانه محل‌های اطلاعاتی خیلی مهم نخواهد بود، بلکه آنچه هست او به سمت دانشی خواهد رفت که به حکمتش افزوده شود. مراجعان کتابخانه‌های عصر حکمت، دانشمندان و دانشوران خواهند بود؛ لذا کتابخانه‌ها نیز باید با شناسایی منابع، متناسب با جامعه‌ی حکمت محور، گردآوری منابع، سازمان‌دهی، حفاظت و



نگهداری و اشاعه آن را از هم‌اکنون در دستور کار قرار دهند و با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری یک سری مقدمات را که در زیر به آن اشاره شده است آماده کنند:

- تدوین معیار، شاخص و استاندارد تعریف‌شده جهت شناسایی و تفکیک دانش از حکمت
- شناسایی و تدوین برنامه‌ای جامع و مدون جهت فعالیت، نشر و اشاعه منابع حکمی
- مشخص نمودن حوزه و دامنه فعالیت
- شناسایی مخاطبان و جامعه هدف جهت تأمین نیازهای احتمالی آنان
- تدوین راهبرد برای تبلیغ و اطلاع‌رسانی
- تدوین نقشه راه و خصوص فضاهای موردنیاز و محمل‌های آن

#### نتیجه‌گیری

با تأسی از آیات و روایات و دیدگاه دانشمندان و صاحب‌نظران موضوع حکمت از چند منظر موردبررسی قرار گرفت و اثبات شد که جریان علم زاینده، جاری و آسمانی است. یافته‌ها از باز شدن افق جدیدی به سوی دنیای علم و معرفت حکایت می‌کند؛ لذا انتظار می‌رود کتابخانه‌ها با بررسی موضوع از مرحله‌ی دانش عبور کنند و با پردازش دانش خود هم سیاست‌های مدیریتی خود را بهبود بخشند و هم با تدوین سند راهبردی شرایط را برای منابع و فضاهای جدید، متناسب جامعه حکمت محور آماده نمایند.

به بیانی دیگر، دانش باید به حکمت تبدیل شود و حکمت علوم بشری نیز با حکمت الهی پیوند بخورد، زیرا حکمت الهی، انسان را به کمال و حقیقت می‌رساند. پیشنهاد می‌شود نظریه «مدیریت حکمت» جایگزین «مدیریت دانش» شود. کتابخانه‌ها نیز باید سیاست‌ها و راهبردهای خود را مطابق جامعه‌ی حکمت محور تدوین نمایند و جامعه و مخاطبان خود را با آن سمت هدایت نمایند. در حقیقت داده، اطلاعات و دانش به خودی خود و فی‌نفسه بد نیستند، بلکه این افراد هستند که با قوه‌ی خرد و کمال حکمت خود، داده‌ها، اطلاعات را دریافت می‌کنند و در ذهن خود ضمن بررسی، تحلیل، ارزیابی و پردازش، آن را به اندیشه و حکمت ناب تبدیل می‌کنند و آن را سرلوحه و ملاک عمل خود قرار می‌دهند. همان‌طور که به لقمان پدر حکمت گفتند: «ادب را از که آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان.» یعنی انسان‌های حکیم و فرزانه حتی از اطلاعات و دانش نادرست و غلط هم بهره‌برداری مثبت و صحیحی می‌کنند و در حقیقت از تهدیدها، فرصت



می‌سازند؛ لذا کتابخانه‌ها می‌بایست مروج فرهنگ حکمی که مبتنی بر اخلاق، دانایی و سرشت پاک انسانی است، باشند که «توانا بود هر که دانا بود».

## منابع و مأخذ

۱. باد، جان، ترجمه محبوبه مهاجر (۱۳۷۲). کتابخانه، اطلاعات و معنا. فصلنامه کتاب، دوره چهارم، شماره دوم، تابستان.
۲. برنجکار، رضا (۱۳۷۹). مفهوم حکمت در قرآن و حدیث. مجموعه مقالات صحیفه مبین، دوره اول، شماره ۴.
۳. بهشتی، احمد (۱۳۷۲). عیسی پیام‌آور اسلام بخش نهم: آموزش کتاب و حکمت. درسهایی از مکتب اسلام. فروردین سال ۳۳ - شماره ۱.
۴. پاک‌نیت، محسن (۱۳۹۰). آلودگی اطلاعات در سازمان و شیوه‌های مقابله با آن (۱ از ۲). دسترسی در سایت-<http://www.gooyait.com/1390/02/31/avoiding-information-pollution-in-an-organization-1.html>
۵. حاجی زین‌العابدینی، محسن. (۱۳۸۷). نقش مدیریت اینترنت در اقتصاد دانش‌محور. مجموعه مقالات همایش کتابخانه‌ها: مراکز مدیریت دانش (نخستین: ۱۳۸۷: همدان) همدان: سپهر دانش.
۶. خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). چپستی حکمت در قرآن، روایات و فلسفه. مشکوه، شماره ۱۰۳، تابستان. ص ۲۶ - ۲۷.
۷. دانش آشتیانی، ابوالقاسم (۱۳۴۳). ارزش دانش و حکمت از نظر اسلام. معارف جعفری. مهرماه، شماره ۱.
۸. داور پناه، محمدرضا (۱۳۸۲). تحلیلی بر تبدیل داده به اطلاعات و دانش. فصلنامه کتاب. دوره چهاردهم، شماره اول، بهار. ص ۷۳.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. جلد ۶.



۱۰. زوارقی، رسول (۱۳۸۵). کتابخانه‌های عمومی آینده. فصلنامه کتاب. شماره ۶۷، پاییز.
۱۱. طلاچی، هما و میترا زارعی (۱۳۹۰). بررسی آلودگی اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی پزشکی منتخب دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه اعضای هیئت علمی. مدیریت سلامت ۱۳(۳۹).
۱۲. گارسیا مارکز، گابریل. بخارا. شماره ۸۲، ص ۷۸ - ۷۹.
۱۳. مقومی، امین و عباس مصطفی‌لو. (۱۳۸۳). موج چهارم در راه است / گفت‌وگویی با دکتر علی اکبر جلالی. پرسمان: اردیبهشت ۱۳۸۳، شماره ۲۰.
۱۴. نوروزی، علیرضا. (۱۳۷۸). آلودگی اطلاعات. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۱۵ (پاییز و زمستان).
۱۵. نوروزی، یعقوب و امیرحسین عبدالمجید (۱۳۸۷). گام‌های علمی پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌ها. مجموعه مقالات همایش کتابخانه‌ها: مراکز مدیریت دانش (نخستین: ۱۳۸۷: همدان) همدان: سپهر دانش.
۱۶. یمین فیروز، موسی. «دانش و مدیریت دانش در سازمان‌ها». فصلنامه کتاب، دوره چهاردهم، ۱ (بهار ۱۳۸۲).
۱۷. Ackoff, R. L. (۱۹۸۹). **From data to wisdom**. Journal of Applied Systems Analysis ۱۵:۳-۹.
۱۸. Bernstein, Jay. H (۲۰۰۹) **The Data-Information-Knowledge-Wisdom Hierarchy and its Antithesis Authors**. Vol ۲:۶۸-۷۵.  
<http://arizona.openrepository.com/arizona/handle/۱۰۱۵۰/۱۰۵۴۱۴>. Accessed. July ۲۵, ۲۰۱۱.
۱۹. Maxwell, N (۲۰۰۷) **From Knowledge to Wisdom: The Need for an Academic Revolution**. London Review of Education, ۵ (۲) ۹۷ - ۱۱۵ <http://eprints.ucl.ac.uk/۱۶۱۴۲/>. Accessed. October ۲۰۱۱.
۲۰. Sharma, Nikhil (۲۰۰۸). **The origin of the “data information knowledge wisdom”** See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/292335202>

دوره ۹ شماره ۳۴ و ۳۵  
بهار و تابستان ۱۳۹۶

نشریه انتردیسیپلیناری مانند کتابخانه‌ها و مراکز یادآوران قدس رضوی



۲۱. hierarchy. [[http://www-personal.si.umich.edu/~nsharma/dikw\\_origin.htm](http://www-personal.si.umich.edu/~nsharma/dikw_origin.htm)]. Accessed. May ۱۵, ۲۰۰۹.
۲۲. Nakagawa, Satoru(۲۰۰۸) **Information and wisdom in the practice of knowledge**. Journal of Contemporary Issues in Education. ۳(۲).

